



کامبیز نوروزی در حوزه «حقوق» نامی آشناست. او از معدود حقوقدانانی است که در مسایل فرهنگی روز صاحب نظر است و همچنین اهل اظهار نظر. نوروزی در تدوین قوانین، مقررات و آیین نامه های بعضی از مراکز امور فرهنگی دخالت داشته و حدود ۱۵ سال سابقه فعالیت علمی دارد.

او ۲۸ ساله، عضو هیئت منصفه مطبوعات و کارشناس ارشد حقوق، صاحب پژوهشها، تألیفات و ترجمه های متعدد در زمینه حقوق مدنی، جامعه شناسی حقوق، حقوق مطبوعات، بزه کاری اطفال و حقوق شهری است و هم اکنون در زمینه مشاوره حقوقی فعالیت دارد.

سانسور مردود است حتی در کتاب کودک

گفتگو با کامبیز نوروزی
حقوقدان و عضو هیئت منصفه مطبوعات

است. نظر شما در این دو مورد چیست؟
نوروزی: اجازه بدهید که ابتدا مقدمه ای عرض کنم. ممیزی کتاب از مسایلی است که از بدو تشکیل دولت به مفهوم جدید در ایران شکل گرفته است و دولت سعی کرده است که تولیدکنندگان محصولات فرهنگی را به طرف یک فرهنگ سوق دهد و در واقع ممیزی یا به تعبیر درست تر سانسور - چون ممیزی تعبیر تعارف آمیز واژه سانسور است -

پژوهشنامه: آقای نوروزی! اکنون ممیزی کتاب براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت می گیرد. درباره این مصوبه از دو بُعد بحث شده است اول اینکه این شورا صلاحیت قانونگذاری در این مورد را ندارد و دوم این که به هر حال شورا درباره ممیزی پیش از چاپ یا پس از آن سکوت کرده است و حتی بعضی معتقدند که این سکوت به معنی نپذیرفتن ممیزی پیش از چاپ

ممیزی کتاب از مسایلی است که از بدو تشکیل دولت به مفهوم جدید در ایران شکل گرفته است و دولت سعی کرده است که تولیدکنندگان محصولات فرهنگی را به طرف یک فرهنگ سوق دهد.

ایران می‌گذرد، این موضوع، به صورتهای مختلف خودنمایی کرده است.

پژوهشنامه: الآن چه؟

نوروزی: هنوز هم این گرایش در مورد پدیده کتاب وجود دارد.

پژوهشنامه: من به سؤال قبلی برمی‌گردم، درباره مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی حداقل از دو بُعد می‌توان سخن گفت، یکی این که آیا این شورا صلاحیت قانونگذاری در این حوزه را دارد و دیگر اینکه محتوای این قانون چگونه است؟ نظر شما در این باره چیست؟

نوروزی: درباره این مصوبه می‌توان گفت که عبارات قدری تاب تفسیر دارند، مثلاً درباره ممیزی پیش یا پس از چاپ معلوم است که خود شورا نیز تکلیف روشنی نداشته است و در جاهایی این مرجع معین نکرده است که باید چه شکلی اجرا شود. برداشت من در مورد کتابهای بزرگسال این است که این مصوبه ممیزی را مورد تأیید قرار نداده است. دلیل من هم برای این استنباط این است که در مواردی که یکی از حقوق اساسی انکار می‌شود، باید تصریح شود و آزادی بیان یک حق اساسی است.

پژوهشنامه: یعنی این یک قاعده حقوقی است؟

نوروزی: بله این یک اصل است و بر این اساس، اگر شورا می‌خواست و به این نتیجه رسیده بود که این حق اساسی انکار شود باید تصریح می‌کرد، در حالی که در این مصوبه تصریح نشده است.

پژوهشنامه: اگر تصریح می‌کرد، مسأله حل بود؟ نوروزی: نه، اینجا بحث دیگری مطرح می‌شد که

اعمال کند. سانسور عملی است که براساس آن همه به طرف یک فرهنگ که مطلوب دولت است سوق داده می‌شوند و از ترویج فرهنگهای دیگر و افکار و عقاید دیگر جلوگیری می‌شود.

پژوهشنامه: گویا آقای ناصر ایرانی در مقاله‌ای اشاره کرده است که سانسور یک پدیده غربی است و ما در تاریخ کشورمان سانسور نداشته‌ایم.

نوروزی: چون دولت به معنی جدید نداشته‌ایم، سانسور هم به این شکل نبوده، البته اسناد در زمان قاجار نیز ممیزی‌هایی را نشان می‌دهد اما سانسور به معنی اخص، به صورت سازمان یافته و به شکل امروری با تأسیس سلسله پهلوی است که شکل می‌گیرد و همین ممیزی اکنون نیز اجرا می‌شود.

پژوهشنامه: فکر می‌کنید با چه هدفی این مفهوم شکل می‌گیرد؟

نوروزی: گفتیم سانسور بر این مبنا شکل می‌گیرد که اذهان عمومی را باید به سمت نوع خاصی از فرهنگ که مورد قبول و توجه دولتهاست الزاماً جهت داد. برخی دولتها فرهنگی غیر از فرهنگ مورد قبول خود را برنمی‌تابند و نمی‌پذیرند که در تعاطی افکار و عقاید و دیدگاهها، جامعه خود، دست به انتخاب بزند، به همین سبب دولت در عرصه فرهنگ با وضع نهادی که مجری سانسور است وارد صحنه می‌شود و با ابزارهایی که در دست دارد، در تولید کتاب مستقیماً دخالت می‌کند و از فرهنگ و عوامل غیر از آنچه که خودش قبول دارد، در عرصه گفتگوی عمومی جلوگیری می‌کند. در طول این ۷۰، ۸۰ سال که از عمر دولت مدرن در

شورای انقلاب فرهنگی نباید قانون گذاری کند.

ماده ۴ و ۵ به صراحت از ممیزی پیش از چاپ کتابهای کودک و نوجوان نام می برد و بین کتابهای بزرگسالان و کودک و نوجوان از این نظر قائل به تفاوت است.

پژوهشنامه: به نظر شما چرا شورای انقلاب فرهنگی به این نتیجه رسیده است که باید بین کتابهای کودکان و بزرگسال تفاوت بگذارد؟

نوروزی: البته من نمی دانم شورا چه تحلیلی داشته که به این نتیجه رسیده است. شاید بشود گفت به دلیل وضعیت خاص مخاطبان کتاب کودک و نوجوان، چون کتابها در کودکان خیلی سهلتر از بزرگسالان تأثیر می گذارد و همچنین بچه ها خود توانایی انتخاب درست ندارند و از طرفی نمی توان این توقع را داشت که تمام خانواده ها از این موضوع آگاهی داشته باشند.

پژوهشنامه: با این وصف آیا ممیزی پیش از چاپ روش مناسبی برای از بین بردن دغدغه ها و حل آنهاست؟

نوروزی: به نظر من اصولاً نظارت پیش از چاپ اساساً مردود است. اگر از زاویه دیگری به این موضوع نگاه کنیم، می توانیم دو الگوی کلی را در برخورد با کودکان و نوجوانان بباییم. الگوی اول این است که اجازه ندهیم بچه ها دست به سیاه و سفید بزنند و مواظب باشیم که اشتباهی از آنها سر نزنند و با سخت گیری بسیار از آنان مراقبت کنیم. الگوی دوم این است که بگوییم بچه ها را باید آزاد بگذاریم تا تجربه کنند و با راهنمایی بزرگترها و خود به اشتباهات پی ببرند. در حوزه کتاب کودک هم همین دو الگو را می توان ترسیم کرد.

پژوهشنامه: البته در حوزه کتاب کودک از زاویه بحث ما، این سخت گیریها متوجه نویسندگان و ناشران است نه کودکان و نوجوانان...

نوروزی: اگر به صورت کلان به موضوع نگاه

آیا برای انکار این حق توجیه کافی وجود دارد مثلاً در کشور ما انتخاب شغل یک حق اساسی است و هر کس می تواند هر شغلی را که دوست دارد، انتخاب کند ولی بعضی از شغلها محدودیتهایی دارد و این حق در این موارد، با توجیه کافی محدود می شود مثل شغل پزشکی که تنها کسانی می توانند این شغل را برگزینند که دکترای پزشکی گرفته باشند.

پژوهشنامه: صلاحیت شورا در این مورد چه می شود؟

نوروزی: شورای انقلاب فرهنگی، نباید قانون گذاری بکند و با توجه به حکم حضرت امام (ره) مصوبه های این شورا در حد تصویب نامه های هیأت وزیران اعتبار دارد و بیشتر از آن اعتبار ندارد و قانون گذاری باید در مجلس شورای اسلامی صورت گیرد. بگذریم از اینکه نفی حقوق مصرح در قانون اساسی از حوزه صلاحیت مجلس هم خارج است.

پژوهشنامه: حوزه کتاب کودک با بزرگسالان تفاوت ندارد؟

نوروزی: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در

می توانیم دو الگوی کلی را در برخورد با کودکان و نوجوانان بباییم. الگوی اول این است که اجازه ندهیم بچه ها دست به سیاه و سفید بزنند و مواظب باشیم که اشتباهی از آنها سر نزنند. الگوی دوم این است که بگوییم بچه ها را باید آزاد بگذاریم تا تجربه کنند و با راهنمایی بزرگترهای خود به اشتباهات پی ببرند.

اگر ارزشهای ادبی مدنظر است چرا دولت کتابهای درسی را با این نگاه اصلاح نمی‌کند؟

کنیم، متوجه کودکان و نوجوانان هم هست. پژوهشنامه: با این وصف شما بین کتاب کودک و بزرگسال از این زاویه‌ای که بحث می‌کنیم، تفاوتی قائل نیستند؟

نوروزی: از این زاویه نه.

پژوهشنامه: یعنی کتابهای کودکان و نوجوانان مسایل خاصی ندارند اگر از زاویه حقوقی نگاه بزرگسال فرقی ندارد؟

نوروزی: ملاحظه بفرمایید که اگر بحث از احتمال وقوع جرم در کتاب کودک است خب باید اول اتفاق بیفتد و بعد مجرم را یافت و مجازات کرد. اما در ممیزی و سانسور مسأله این است که یک نفر نشسته است و براساس سلیقه و معیارهای کاملاً فردی حکم می‌دهد و در واقع قصاص قبل از جنایت می‌کند.

پژوهشنامه: گاهی البته براساس معیارهای مشخصی صورت می‌گیرد.



نوروزی: ببینید حکم‌دادن درباره موضوعی که خودش معلوم نیست چیست ممکن نیست. ما باید اول ببینیم موضوع چیست؟ نمی‌توانیم درباره موضوعی که از آن شناختی نداریم، حکم صادر کنیم. اول باید ببینیم کودک کیست؟ سهم و اندازه کتاب در زندگی او چقدر است؟ تأثیر کتاب در او چقدر است؟ و سؤالاتی از این قبیل.

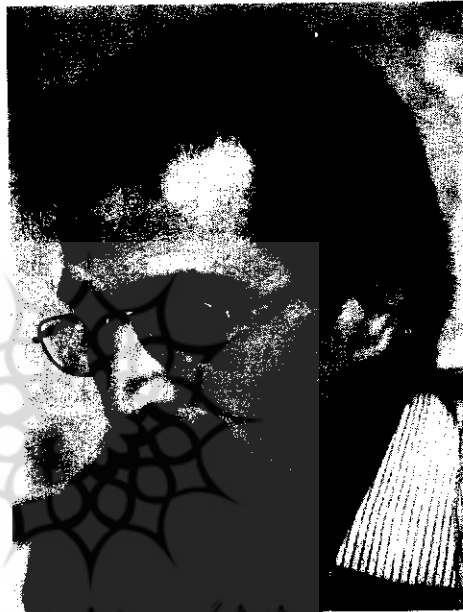
پژوهشنامه: می‌توانیم بگوییم از نظر شما مشکل اساسی در بخش تحقیق و پژوهش است که ما در این حوزه اصلاً به آن اهمیت نداده‌ایم.

نوروزی: دقیقاً همینطور است. یک مسأله دیگر هم این است که کتاب، سهم زیادی در زندگی کودکان و نوجوانان ندارد و بیشتر از کتاب تلویزیون و مدرسه در زندگی آنها نقش دارد. بچه‌ها بیشترین وقتشان را پای تلویزیون سپری می‌کنند و در مدرسه به سر می‌برند و کتاب نقش بسیار کمی دارد، با این همه تعجب می‌کنم که این همه اصرار در محدود کردن کتاب وجود دارد ولی به تلویزیون و مدرسه اهمیت داده نمی‌شود! نباید این‌ها را از هم جدا کرد و یکی را سخت گرفت و بقیه را رها کرد.

پژوهشنامه: در واقع به نظر شما نمی‌توانیم حوزه کتاب را مثل جزیره‌ای فرض کنیم که با محیط خود ارتباطی ندارد.

نوروزی: جزیره تعبیر خوبی است، نباید فکر

بچه‌ها بیشترین وقتشان را پای تلویزیون سپری می‌کنند و در مدرسه به سر می‌برند و کتاب نقش بسیار کمی دارد. با این همه تعجب می‌کنم که این همه اصرار در محدود کردن کتاب وجود دارد ولی به تلویزیون و مدرسه اهمیتی داده نمی‌شود! نباید یکی را سخت گرفت و بقیه را رها کرد.



اگر بپذیریم که خشونت می‌تواند یک معیار باشد، کدام دیدگاه را باید انتخاب کنیم؟ ضمن اینکه خود موضوع روشن نیست و من باز برمی‌گردم به بحث پیشین که باید مطالعه و بررسی کنیم. همین‌الآن درباره خشونت سؤالات زیادی را می‌توانیم مطرح کنیم که برای هیچ یک جوابی نداریم. اولاً خشونت یعنی چه؟ چه تعریفی از خشونت داریم؟ اگر این خشونت چگونه مطرح شود جرم است؟ این جرم را چگونه احراز شود؟ آیا یک نفر می‌تواند این جرم را احراز کند؟ یک نفر وقتی نشست و در این باره تصمیم گرفت براساس سلیقه شخصی‌اش عمل می‌کند.

پژوهشنامه: ارزشهای ادبی و هنری چه؟

نوروزی: آن هم همین‌طور است. ارزشهای ادبی و هنری خیلی کلی‌تر است. مکتبهای مختلف وجود دارد که اغلب با هم اختلافهای سیاسی دارند و درباره موضوعات مختلف دیدگاههای کاملاً متفاوت ارائه می‌دهند. خوب در این حالت معیار چه خواهد بود؟

پژوهشنامه: ضعف و قوت کار سنجیده خواهد شد؟

نوروزی: ضعف و قوت در کارهای هنری و ادبی هم خیلی مشخص و معین نیست. بزرگترین و معتبرترین مرکز انتشاراتی که برای کودکان کتاب چاپ می‌کند کتابهایی چاپ کرده است که بسیاری از منتقدان معتقدند ارزش ادبی ندارد. دیدگاهی متفاوت است و کاملاً فردی است براساس این دیدگاهها نمی‌توان معیارهای روشن و معین استخراج کرد.

نوروزی: می‌توانید از این معیارهای مشخص مثالی بیاورید؟

پژوهشنامه: مثلاً در حوزه کتاب کودک خشونت یا ارزشهای ادبی و هنری می‌تواند یک معیار باشد. نوروزی: ببینید، درباره همین خشونت دو دیدگاه است که هر دو دیدگاه هم طرفدارانی دارد. یک دیدگاه این است که نمایش و بیان خشونت، نه تنها باعث ایجاد خشونت و جرم نمی‌شود بلکه حتی، از بروز خشونت جلوگیری می‌شود و بچه‌ها با دیدن خشونت از آن پرهیز می‌کنند. این دیدگاه طرفداران زیادی دارد. دیدگاه دیگری هم هست که اتفاقاً آن هم طرفدار دارد و معتقدند که نمایش و بیان خشونت باعث ایجاد خشونت در بین بچه‌ها می‌شود. حالا

ارتقای فرهنگ به عهدهٔ قانون نیست و باید نهادها و سازمانهای مختلف با سیاست‌گذاریهای مناسب این قضیه را پیگیری کنند.

پژوهشنامه: بین دیدگاههای مختلف نقاط مشترکی وجود دارد؟

نوروزی: باز هم کاملاً فردی است و نمی‌تواند جنبهٔ عمومی پیدا کند. ضمن اینکه دست یافتن به این نقاط مشترک هم بسیار دشوار است. این نقاط مشترک کدامند؟

پژوهشنامه: ببینید مثلاً کتابی منتشر می‌شود برای کودکان که از نظر دست‌نویزان فارسی کاملاً غلط است و حتی غلط‌های املائی دارد، با این نوع کتابهاکه در حوزه ادبیات کودک کم هم نیستند، چه باید کرد؟

نوروزی: اگر این کتاب منتشر شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مگر جامعه نمی‌تواند اینها را تشخیص بدهد؟ خود جامعه توانایی سنجش کارهای خوب از بد را دارد، والدین می‌توانند تشخیص بدهند که چه کتابهایی بد است و چه کتابهایی خوب، می‌توان این کتابها را نقد کرد. راه فراوان است اما نمی‌توان اینها را به معیارهای قانونی طالب آزادی فرهنگی تبدیل کرد. اصولاً ارتقاء فرهنگ بر عهده قانون نیست و باید نهادها و سازمانهای مختلف با سیاست‌گذاریهای مناسب این قضیه را پی‌گیری کنند، اما به نظر می‌رسد که اصلاً ارتقاء فرهنگ مدنظر نیست و هدف سانسور جهت دادن به طرف فرهنگ مطلوب مورد نظر دولت است وگرنه اگر ادبیات و ارزشهای ادبی مدنظر سانسور بود، به کتابهای متون ادبیات مدارس پرداخته می‌شد که بنابه گفته متخصصان در آنها نازل‌ترین ادبیات ارائه می‌شود. این متخصصان که می‌گویم کسانی مثل آقای زرین‌کوب هستند. اگر ارزشهای ادبی مدنظر است چرا دولت کتابهای



درسی را با این نگاه اصلاح نمی‌کند؟ چرا دانش‌آموزان را با ادبیات غنی ایران آشنا نمی‌کند؟ چرا از ادبیات معاصر، از شاهکارهای ادبیات معاصر در کتابهای درسی خبر نیست؟ چرا از ادبیات جهان خبری نیست؟ چرا دانش‌آموز ما وقتی از دبیرستان بیرون می‌آید از ادبیات چیزی نمی‌داند؟ البته ادبیات دانستن به معنی دانستن سال فوت نظامی گنجوی و سعدی و دقیقی طوسی و بایزید بسطامی نیست. پس هدف ارائه آثار خوب ادبی نیست.

پژوهشنامه: نمی‌توان با این قاطعیت چنین گفت. شاید مشکل ناهماهنگی باشد؟

نوروزی: مشکل هر چه که باشد، به تعبیر خودتان نباید کتاب را یک جزیره فرض کرد. اگر هدف ارائه

آثار خوب است نباید این را تنها به کتاب محدود کرد. باید دید تکلیف تلویزیون و مدارس که نقش بیشتری در بچه‌ها دارند و اوقات بیشتری از آنها را می‌گیرند، چه می‌شود.

پژوهشنامه: با این حساب می‌توانیم بگوییم که از نظر شما ارزشهای ادبی و هنری نمی‌توانند به عنوان ضابطه قانونی درآیند؟

نوروزی: نه، همان‌طور که گفتیم اصولاً ارتقا دانش و فرهنگ بر عهده قانون نیست ضمن این که دیدگاههای مختلف وجود دارد و ارزشهای ادبی و هنری نیز بسیار تفسیر بردار و فردی است و نمی‌تواند جنبه عمومی پیدا کند. اصولاً یک فرق که بین قانون و سیاست وجود دارد، در همین است و این بحثها بیشتر در بخش سیاست می‌گنجد که باید نهادهای مختلف با سیاستگذاری‌های مناسب به آن برسند.

پژوهشنامه: شما گفتید که از زاویه بحث حقوقی مسایل خاصی برای کتاب کودک قایل نیستند، یعنی اگر به فرض ممیزی، پیش از چاپ برداشته شود و قانونی برای امور مربوط به کتاب نوشته شود، در بخش کتاب کودک...

نوروزی: بحث ما درباره شرایط بود، اگر ممیزی پیش از چاپ برداشته شود، وضع فرق می‌کند.

پژوهشنامه: پس مسایل خاصی برای کتاب کودک وجود دارد؟

نوروزی: بله حتماً

پژوهشنامه: آن مسایل خاص کدامند؟

نوروزی: البته من باید باز برگردم به بحث اولم که باید اول ببینم موضوع چیست؟ و شناخت ما از آن چقدر است؟ ما از اصل موضوع شناخت کافی نداریم نیاز به مطالعه و تحقیق و بررسی داریم. البته این تنها در توان یک حقوقدان هم نیست. باید جامعه‌شناسان و روان‌شناسان کمک کنند، در واقع آن مطالعه‌ها و بررسی‌ها را باید جامعه‌شناسان و روان‌شناسان انجام دهند. در واقع این مسایل پیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشند، جنبه روانشناختی و جامعه‌شناختی دارند که باید اول آنها را شناخت.

پژوهشنامه: آقای نوروزی به عنوان آخرین سؤال، آیا ممیزی پیش از چاپ که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای کتابهای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است، قانونی است؟

نوروزی: ممیزی پیش از چاپ با روح قانون اساسی سازگار نیست، محدود کردن حقوق افراد باید توسط قوه قضاییه صورت بگیرد، نه مجریه و به نظر من نظارت بر کتاب باید پس از چاپ صورت گیرد.

بحث دیگر هم بحث مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی است. من تردید دارم که این مصوبه‌ها قانونی باشند، همان‌طور که گفتم مصوبه‌های شورا در حد تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران اعتبار دارد. قانون فقط آن متنی است که در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد.